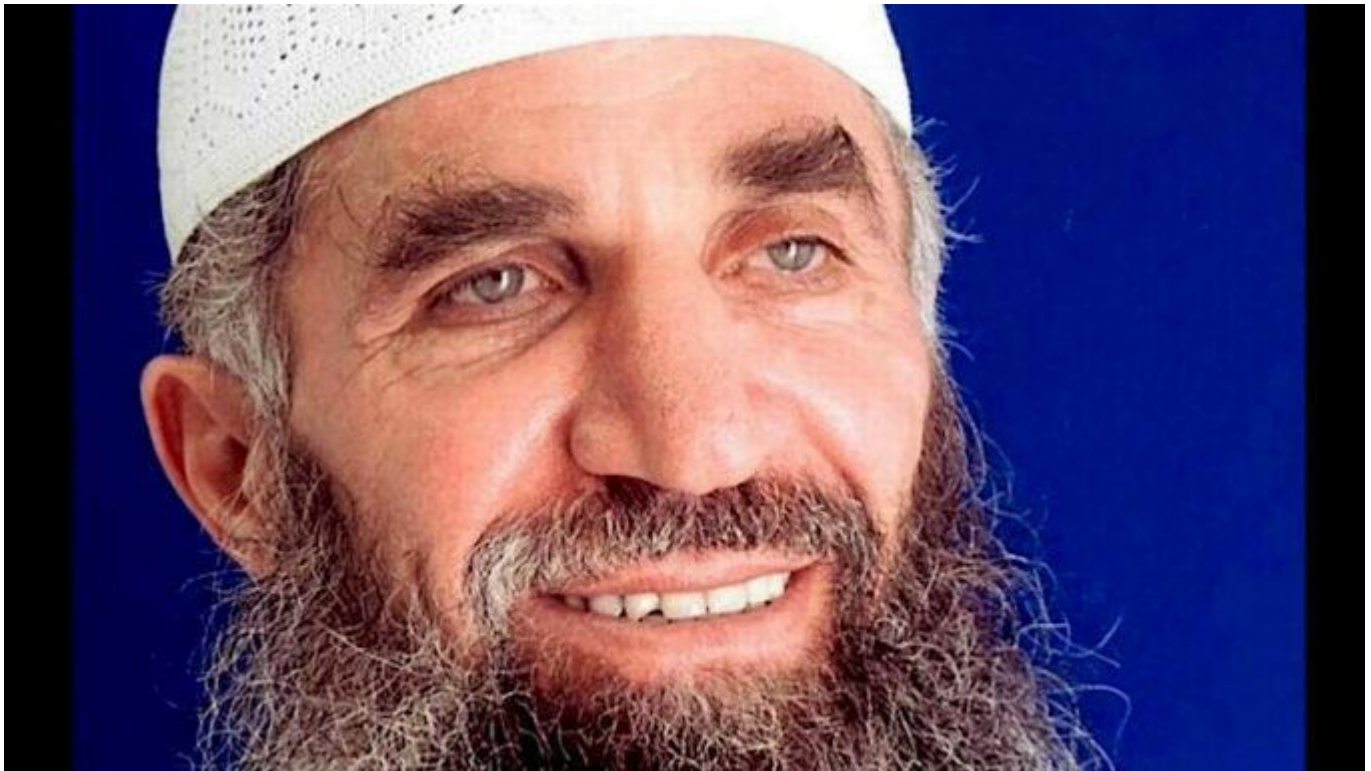


نویسنده: جفری س. تی کلیر «Jeffrey St Clair».
منبع و تاریخ نشر: کریدل «2024-06-21».
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

هزینه های رومینگ: مردی از اتاق ساکت 4

Roaming charges : the Man from quiet Room 4



اوبه **عبدالهادی** عراقی معروف شد. اما نام اصلی او **نشوان التمیر** است. الهادی در سال 1961 در یک خانواده عرب سنی در موصل عراق به دنیا آمد. او در جنگ خونین ایران و عراق شرکت کرد، سپس عراق را ترک کرد و از وحشت زندگی در ارتش صدام رهایی یافت تا به صف مبارزین و مجاهدین افغان برای بیرون راندن شوروی از افغانستان بپیوندد. یعنی در افغانستان، جایی که او با **اسامه بن لادن** ملاقات کرد و بعداً به تشکیل القاعده کمک کرد. الهادی به صفت رهبر مبارزین چریکی علیه تهاجم ایالات متحده به افغانستان در سال

2001 گماشته شد و در سالهای 2003 و 2004، جنگجویان تحت فرماندهی الهادی چندین حمله مرگبار علیه نیروهای ایالات متحده و نیروهای ائتلاف انجام دادند.

در سال «2006»، الهادی در ترکیه دستگیر شد و به سازمان سیا (سی آی ای) تحویل داده شد و در آنجا به عنوان یک زندانی "با ارزش و مهم" برای شش ماه آینده در یک زندان مربوط سیاه در افغانستان نگهداری شد. الهادی بارها مورد بازجویی، شکنجه و محبوس شدن در سلولی تنگ و عایق ویا بیصدا که بزرگتر از یک الماری نبود، قرار گرفت. در 17 سال گذشته، او در سلولی در زندان گوانتانامو زندگی می کرده و تقریباً به دلیل یک بیماری سایه شدن ستون فقرات که طی سال های با اوبی توجهی و از نظر صحتی بدرفتاری صورت گرفته بود تشدید شده یعنی که عبدالهادی، فلج شده بود. باید اذعان کرد که الهادی یکی از آخرین «جنگجویان دشمن» بود که به گیتمو فرستاده شد.

در سال 2014، پس از بیش از هفت سال بازداشت، الهادی به اتهام جنایات جنگی در یک کمیسیون نظامی محاکمه شد. چهار مورد از اتهامات اصلی که علیه الهادی مطرح شده است این بود: «1» سربازان وی کارکنان بشر دوستانه را کشتند، «2» به خودروهای پزشکی یا امبولانس ها شلیک کردند، «3» غیرنظامیان را کشتند و «4» با عملکرد توأم با خیانت با پوشیدن لباس عادی غیرنظامیان غرض حمله به سربازان آمریکایی استفاده کردند - که این خود دقیقاً از انواع جنایاتی است که سربازان اسرائیلی در غزه مرتکب آن شده اند. با سلاح های آمریکایی محاکمه او در سال 2017 به تعویق افتاد، زیرا الهادی در حالی که در کف سلولش در استخری از زباله های خودش دراز کشیده بود، فلج و بی اختیار پیدا شد.

الهادی به یک بیماری دژنراتیو «استحالوی» دیسک نخاعی مبتلا بود که این بیماری در دوران بازداشت وی در ایالات متحده به شدت بدتر شده بود. او شش بار تحت عمل ستون فقرات در کمتر از یک سال قرار گرفت که یعنی که این همه عملیات ها در اتاق عمل اولیه در گیتمو انجام شد، حداقل دو مورد از این عملیات ها بمنظور اصلاح اشتباهات که در عملیات های قبلی صورت گرفته بودند انجام شد. بر اساس قوانین سختگیرانه ایالات متحده، الهادی نمی توانست در بیمارستانی در این ایالت ها درمان شود. قابل تذکر است که بیمارستان مربوط به گیتمو در زمان جراحی های او حتی دستگاه **ام آر آی** هم نداشت. زمانی که الهادی چند سال بعد به دادگاه بازگشت، فلج شده بود، روی ویلچر می نشست و گاهی هم روی تخت بیمارستان غلت میزد.

در ماه جون «2022»، الهادی در یک معامله محرمانه با دولت بایدن برای تسریع در رسیدگی به دادگاه هایی که مدت ها متوقف شده بود، به اتهامات جنایات جنگی اعتراف کرد. **سوزان هنسler**، وکیل مدافع او گفت: «او به خاطر نقشش به عنوان یک فرمانده خط مقدم جبهه در افغانستان اعتراف کرد. او به مدت 16 سال در بازداشت بوده است، از جمله شش ماهی که در محبس متعلق به C.I.A گذرانده است. ما از مسولین سازمان «سی آی ای»

ایالات متحده امیدواریم که به وعده خود مبنی بر انتقال او در اسرع وقت برای مراقبت های پزشکی که به شدت به آن نیاز دارد عمل کند.»

محکومیت الهادی تا سال «2024» به تعویق افتاد تا به پنتاگون فرصت داده شود تا کشوری را بیابد که پس از آزادی او یعنی عبد الهادی را بپذیرد و بتواند که تا پایان عمرش از مراقبت های پزشکی مناسب برخوردار گردد.

اتهاماتی که هادی در نهایت به آنها اعتراف کرد بسیار جدی تر از آن هایی بود که دولت های بوش و اوباما در ابتدا او را به آن متهم کردند، که شامل نقش داشتن در حملات 11 سپتامبر، توطئه برای بیرون راندن غیرمسلمانان از شبه جزیره عربستان و ترور یک کارگرفرانسوی مربوط به سازمان ملل و منفجر کردن حاکمی های (بت های) بزرگ بودا در دره بامیان افغانستان بود. و در نهایت امر، هادی به نظارت اش بر جنگجویان اعتراف کرد که به یک هلیکوپتر مدماک «هلیکوپتری که مجروحین را بصورت عاجل از میدان جنگ به بیمارستان انتقال میدهد.....تفصیل توسط این قلم» شلیک کردند و لباس غیرنظامی برای کار گذاشتن بمب های دست ساز که منجر به کشته شدن سه سرباز متحد شد، اعتراف کرد - جنایات ادعایی اش چنان شد که دولت بوش می خواست با اعدام او راجازات کند، از اینکه او بیش «5» سال وکیل مدافع نداشت یا داشتن وکیل مدافع را رد کرده بود.

در 17 ژوئن، الهادی سرانجام این فرصت را یافت که داستان دستگیری، تحویل به افغانستان، بازجویی و شکنجه و حبس در گیتمو (با هزینه 13 میلیون دلار در سال) را که وضعیت سلامتی او به شدت رو به وخامت رفته بود، بازگو کند. هادی که روی صندلی یا چوکی چرخدار خود نشسته بود، توضیح داد که او را در ترکیه ربودند، بعد از ربودن او را بستند، بر سرش کلاه کردند، بردست و پا های اش زنجیر کردند و دهانش را بستند، سپس او را به مکان دیگری بردند، جایی که او را در سلولی بدون پنجره نگه داشتند.

آن سایت یا محل یکی از آخرین زندان های مخفی سیا در افغانستان بود. سلول دارای توالت و دوش استیل بود. هر روز مردان سیاه پوش با چهره های نقابدار برای بازجویی از او می آمدند. آنها بارها و بارها از او درباره محل **اسامه بن لادن** و دیگر رهبران القاعده تحقیق کردند. الهادی هر روز همان پاسخ را به آنها می داد: نمی دانم.

پس از سه ماه، الهادی به اتاق دیگری منتقل شد، سلولی به نام اتاق ساکت 4.

همانطور که الهادی صحبت می کرد، تیم دفاعی او یک نمایش مجازی از سلول او را معرفی کرد. که سلول کوچکتر و محدودتر بود. فاقد توالت و دوش بود، فقط یک سطل و یک تشک روی زمین بود. سه غل و زنجیر روی دیوار آغشته به لکه خون بود.

هادی تعریف کرد که چشم بند، برهنه شده و ریش و سنت های ا تقریباً تراشیده شده و سپس از او عکس گرفتند. که این کار دو بار در مکان ویا در محل مربوط سازمان سیاه اتفاق افتاد یعنی اجراءت یا اقدام تحقیر آمیزی دلیلیکه به معنای شرمساری او بودوبس.

گوشت خوک به طور معمول در وعده های غذایی او مخلوط می شد. بنا براین الهادی دست به اعتصاب غذا زد و در نهایت ضعیف تر از آن شد که راه برود. نگهبانان نقا بدار سیاه به زور با بطری های انشور به او غذا میدادند تا زمانی که او مقداری از قدرت خود را به دست آورد تا بتواند بار دیگر همان نوع شکنجه های تشریفاتی را روز به روز، ماه به ماه تحمل کند.

در تمام مدتی که الهادی در افغانستان بود، او هرگز خورشید را ندید، هرگز نمی دانست که ساعت چند بجه است، نمازش را کی بخواند یا در کدام جهت بخواند. بر خلاف بسیاری دیگر از زندانیان سیاه، که با موسیقی بلند سرکوب شده بودند، الهادی به شش ماه سکوت محکوم شد. از سلول آرام خود، او نمی توانست صدای خیابان، آواز پرندگان یا صدای انسان را بشنود. او در خلأ زندگی می کرد.

برخلاف بسیاری از جنایتکاران جنگی ایالات متحده، مانند ادی «بلید» گالاگر، که بدون عذرخواهی یک جوان مجروح عراقی را با ضربات چاقو به قتل رساند و با جسد او عکس گرفت، به نظر می رسد الهادی واقعاً از قتل عام جنگجویان در طول جنگ ظالمانه در این کشور یعنی در افغانستان پشیمان است. او در جریان شهادت یا اعتراف خود به پدریکی از سربازان آمریکایی که در حمله بمب های دست ساز کشته شد بود، گفت: «من می دانم تماشای مرگ یا مجروح شدن یک سرباز دیگر چیست، این احساس را می دانم و متاسفم. میدونم خیلی زجر کشیدی من می دانم پدر پسر بودن یعنی چه. برای از دست دادن پسر خود - غم شما باید بسیار زیاد باشد. متاسفم. من به عنوان فرمانده، مسئولیت کارهایی که افرادم انجام دادند را بر عهده می گیرم. می خواهم بدانی که من از هیچ کس نفرتی در قلبم ندارم. فکر کردم کارم درسته من نبودم متاسفم.»

در نهایت، پشیمانی، پشیمانی و بدن ناتوان الهادی، که در اثر سال ها شکنجه و حبس فلج شده بود، تأثیر چندانی بر هیئت منصف «11» نفره و ناشناس ارتش آمریکا که روز پنجشنبه حداکثر «30» سال حبس را برای ارتکاب این جنایت صادر کرد، نداشت. جنایات جنگی مشابهی که ایالات متحده و متحدانش چندین دهه بدون مجازات مرتکب شده اند، از جمله جنایات علیه خود الهادی.

سطری چند درمورد نویسنده این مقاله :

جفری سنت کلس سردبیر CounterPunch است. آخرین کتاب او عیاشی از دزدان: نئولیبرالیسم و نارضایتی های آن (با الکساندر کاکیرن) است. می توانید از طریق: sitka@comcast.net یا در توییتر [@JeffreyStClair3](https://twitter.com/JeffreyStClair3) با او تماس بگیرید.



جفری سنت کلر

با تقدیم احترامات «2024-06-25» -----

